

# کلیات

در موسیقی و ادبیاتِ دری

بازنمایی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان



داکتر اسدالله شعور

# کلیات

## در موسیقی و ادبیات دری

بازشناسی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان و همسایه‌گان

از آغاز عهد اسلامی تا استیلای مکتب خرابات

(سده‌های سوم تا چهاردهم هجری)

دکتر اسدالله شعور



یا ہو



## کابل ناتھ . دی ای

---

- کلیات در موسیقی و ادبیات دری
- دکتر اسدالله شعور
- چاپ اول: اندیشه‌ی نو. تورنتو. ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ ش.
- نشر دوم با تجدید نظر و اضافات: سایت کابل ناتھ ۲۰۱۱ م
- صفحه آرا: زردشت شعور
- طراح روی جلد: اوستا شعور

# سیاہہ می مطالب

پیشگفتار

۸

بخشِ نخست

۱۹

کلیات چیست؟

بخشِ دوم

۲۹

خانگاہِ سرایشِ کلیات در ادبِ دری

بخشِ سوم

۴۹

کلیات ادبی

بخشِ چہارم

۷۳

کلیات موسیقی

بخشِ پنجم

۱۰۳

انواع کلیات

۱۰۷	کلیات اسامی دوازده مقام برخ نخست
۱۱۷	کلیات آوازه‌ها برخ دوم
۱۲۲	کلیات آوازه‌ها و مقامات مربوط هر یک برخ سوم
۱۲۸	کلیات مقامات و شعبات مربوط هر یک برخ چهارم
۱۳۶	کلیات شعبات و گوشه‌های مربوطه‌ی آنها برخ پنجم
۱۴۳	کلیات های مرکب برخ ششم
۱۵۲	کلیات مقامات و شعبات به ترتیب شد برخ هفتم
۱۶۲	کلیات وقت خوانش مقام ها برخ هشتم
۱۷۷	کلیات مناسبت بروج فلکی با مقامات برخ نهم
۱۸۸	کلیات خواص و تأثیر مقامات برخ دهم
۲۰۵	کلیات نسب مقامات به پیامبران الهی برخ یازدهم
۲۱۵	کلیات ضرب ها برخ دوازدهم

بخش ششم

## راگمالایا کلیات راگ های هند و افغانی

۲۳۱

برخ یک

۲۳۵

راگ مالا چیست؟

برخ دو

۲۴۶

منظومه ی راگمالا یا کلیات راگها

برخ سوم

۲۷۷

کلیات در زبان هندی

برخ چهارم

۲۹۳

راگمالا در موسیقی عملی هند

۳۱۳

فهارس



پیشکش

واژه‌ی کُلّیّات، به صورت آنی مجموعه‌یی از آفریده‌های يك سخنور و یا نویسنده‌یی را در ذهن انسان تداعی می‌کند؛ و در قدم دوم مباحث عمومی‌یی را که در آنها جزئیات مسایل به صورت دقیق در نظر گرفته نمی‌شوند؛ ولی در مطالب مورد بحث این کتاب، صحبت در باره‌ی هیچکدام اینها مورد نظر نیست؛ بلکه می‌خواهیم به کلیاتی بپردازیم که یکی از نموده‌های نظم زبان دری و همچنان شیوه و گونه‌ی سازی و آوازی موسیقی سنتی خراسانزمین، پارس و پاردریا را تشکیل می‌داد و تا شصت، هفتاد سال پیش نیز در افغانستان، ایران و کشورهای پاردریا در تداول بوده، هم به عنوان وسیله‌یی برای آموزش نظری و عملی موسیقی کاربرد داشت؛ و نیز محکی بود برای شناخت دانش و مهارت‌های عملی استادان موسیقی این حوزه‌ی گسترده‌ی فرهنگی و زبانی.

جنبه‌ی آموزش نظری که در کمترین حد خود آشنا ساختن علاقمندان را با نظام موسیقی کلاسیک و ساختار آن در هدف داشت، شامل قلمرو ادبیات نیز هست، زیرا این کلیات‌های ادبیست که در خدمت چنین امری قرار گرفته و

برای چندین سده‌ی پیاپی در انتقال نظام موسیقی - به‌عنوان یکی از عمده‌ترین دستاوردهای فرهنگی مردم آریانای باستان - از نسلی به‌نسل دیگر به‌کار گرفته شده و کارآیی مثبتی نیز داشته است. در بُعدی دیگر کلیات‌های سازی و آوازی بوده‌اند که مشعل فروزان موسیقی سنتی را پیوسته به‌آینده‌گان سپرده، حیات آنرا استمرار بخشیده‌اند.

چون در يك برهه‌ی معین زمانی، این‌گونه‌ی مشترك عرصه‌های ادب و هنر دست به‌هم داده با ادغام در همدیگر، نمود تازه و مشترك فرهنگی را عرضه داشته و خشت استوار دیگری در بنای ثقافت مان افزودند که به‌وسیله‌ی آن هنرمند سره از هنرور خُشَره تمییز داده می‌شد؛ و این محک و میزان ارزشمند نیز سده‌ها کاربرد داشته‌است.

کلیات چی به‌عنوان ژنری از موسیقی و نوعی از تصنیف؛ و چی به‌عنوان يك گونه‌ی ادبی و شاخه‌یی از نظم دری که با تأسف تا به‌امروز مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته‌است؛ نوع ادبی آن صرف يك بار در آخرین سالیان سده‌ی هشتم هجری در لای کتابی به‌عنوان یکی از صنایع شعری قد بلند کرد، ولی مورد توجه ادبیات‌شناسان بعدی قرار نگرفت؛ لذا با در نظر داشت اهمیت و کارآیی که این ژنر ادبی - موسیقایی در بخشی از حیات فرهنگی مردمان خراسان بزرگ عهد اسلامی و همجواریش داشته‌است؛ جا دارد که مورد بازشناسی قرار گرفته‌گوشه‌ی دیگری از تاریخ فرهنگ درخشان مان به‌روشنی کشیده شود.

انگیزه‌ی نگارنده در تدوین این رساله در قدم نخست تهیه مواد رهنما برای اعضای «انجمن احیای موسیقی باستانی افغانستان» بود که در سال

۱۳۷۴ش/۱۹۹۵م در شهر تورنتوی ایالت آنتریوی کانادا تشکیل یافت. در آن زمان که این قلم مصروف تدوین کتاب میراث موسیقی هندی به زبان دری بود، قطعات نظم‌ی که در آنها اسامی کامل مقامات، شعبه‌ها و گوشه‌های موسیقی سنتی کشور ردیف شده بودند، جلب توجه نموده، به‌گردآوری تعدادی از آنها از نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی بریتانیای شهر لندن و کتابخانه‌ی بادلیان دانشگاه آکسفورد پرداخته شد که نظام قدیمه‌ی موسیقی افغانستان را قدم به‌قدم به‌جوانان بازشناسانده می‌توانستند. در گام دوم، در جریان بازگشت نگارنده به افغانستان در سال ۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م زمینه‌ی بازدید مجدد از کتابخانه‌های بزرگ کشورهای منطقه میسر گردیده، با ورقگردانی نسخ خطی و آثار چاپی جدیدتر، مواد و مطالب بیشتری فراهم آمد تا اینکه در جریان سفری به پاکستان و اشتراک در نشست پیرامون حلال و حرام بودن موسیقی؟! در دانشگاه پنجاب لاهور که با لطف دوست گرامی داکتر منیر زاهد عامر استاد آن دانشگاه فراهم آمد، بنده را داشت تا مقاله‌ی «راگمالا در نظم زبان دری» را در اسلام آباد به‌نگارش گیرد که اندکی بعد از آن در شماره ۶۶-۶۷ مجله‌ی دانش ارگان مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به‌چاپ نیز رسید. چون منظومه‌های راگمالا قرینه‌ی کلیات‌های ادبی ماست، در آن مقاله اشاره‌ی به‌مقارنه و مقایسه‌ی این‌گونه‌های مماثل رفته بود و با ذکر این نکته که پیشینه‌ی ذکر اسامی مقامات موسیقی خراسانی در ادب دری مربوط سده‌های پیشتر از آفرینش منظومه‌های راگمالا بوده، این ژنر تازه زیر تأثیر مستقیم آن عنعنه‌ی شاعران زبان دری به‌وجود آمده‌است؛ ولی از آنجاییکه نگارنده تا آن زمان با نام کلیات برنخورده بود، با نتیجه‌گیری شتابزده‌ی

نوشته بود که برای این نوع منظومه‌هایی که در آنها التزام کاربرد اسامی مقامات موسیقی خراسانی و لواحق آن رعایت می‌شده، نامی نمی‌شناسیم؛ ولی هرگاه اسامی راگ‌های هند و افغانی را در آن یاد کنیم؛ راگمالایش می‌خوانیم.

خوشبختانه دو، سه ماه پس از آن در هنگام بازدید نسخه‌های تحفة‌السرورِ درویش‌علی چنگی هروی در کتابخانه‌ی مرکزی آکادمی علوم افغانستان، کتابخانه‌ی البیرونی پژوهش‌شکده‌ی شرقشناسی آکادمی علوم اوزبیکستان در تاشکند؛ و کتابخانه‌ی پژوهش‌شکده‌ی خاورشناسی آکادمی علوم تاجیکستان در دوشنبه، متوجه گردیدم که برعکس حدس شتابزده‌ی این قلم؛ نوع نظم یادشده را که تا دهی سوم سده‌ی بیستم میلادی نیز در افغانستان و ایران در تداول بوده است، کلیات می‌گفته اند. لذا نگارنده برای تصحیح این اشتباه در صدد فراهم‌آوری مقاله‌ی درباره‌ی کلیات گردید. چون جستار آغاز یافت موازی با پیشرفت کار چیزهای تازه آشکار می‌گردید و سر انجام از میان انبوه مواد و مطالب، سیستم نظام یافته و کارآی آموزشی و روش تعلیم عملی و نظری موسیقی سنتی چهره نمود که نبوغ گذشته‌گان ما در آفرینش این سیستم آنهم در هفت، هشتصد سال گذشته از ورای نظام یاد شده نمایان بود. چون مواد گردآورده شده برای جوانان، با آنچه که از نسخ خطی در کتابخانه‌های افغانستان، تاجیکستان، اوزبیکستان، ایران، پاکستان، هندوستان و کشورهای اروپایی به‌تازگی به‌دست آمده بودند، در کنار هم قرار گرفتند؛ به‌جای مقالاتی کوتاه، کتابی فراهم آمد که هم‌اکنون در دست خواننده‌ی عزیز قرار دارد. از آنجایی که درین اثر فقط معرفی کلیات و جنبه‌های کارآیی آن مطمح نظر بود، مواد و مطالبی که برای بازشناسی بهتر انواع کلیات

ضروری می‌نمود، گردآورده شد. سپس تألیف و تلفیق این مواد باهم و تحلیل جنبه‌های گوناگون هر دسته‌ی کلیات‌ها، شش فصل مختلفی را به‌وجود آورد که با ورق‌گردانی این رساله از ملاحظه‌ی خواننده‌ی بسیار عزیز خواهند گذشت.

چون از موجودیت کلیات چی به‌شکل ادبی آن و چی به‌صورت تمرین‌های سازی و آوازی، فراتر از سده‌ی ششم هجری آگاهی موثقی در دست نداریم و این قرن نیز مصادف با زمانست که در نتیجه‌ی استیلای دولت‌های غزنه و غور افغانستان بر شمال هند، روابط فرهنگی خراسان بزرگ با مردم هندوستان بیش از حد معمول گسترش یافته بود و موجودیت گونه‌های مماثل این کلیات‌ها در موسیقی آن سامان، این سوال را مطرح می‌سازد که آیا این ژنر تازه در زیر تأثیر فرهنگ هند در کشور ما بپاخاسته و یا اینکه خود بر فرهنگ هند تأثیرگذار بوده و در دراز مدت، در موسیقی آن حوزه‌ی فرهنگی باستانی، باعث ظهور پدیده‌ی مماثلی به‌نام راگمالا گردیده است؟

برای پاسخ به‌این پرسش در ابتدا به ریشه‌یابی ظهور کلیات در ادبیات دری پرداخته شد و این پاسخ بدست آمد که عنعنه‌ی نامبردن از پرده‌های موسیقی در اشعار سخنوران اوایل عهد غزنویان آفریننده‌ی گونه‌ی کلیات در ادب دری بوده، این ژنر را به‌علت وجود ریشه‌هایش در تاریخ و ادب منطقه نه‌تنها که نمی‌توان ژنر دخیل دانست؛ بلکه خود موجد ژنر مماثلی در فرهنگ هندی نیز بوده است که هم منظومه‌های راگمالا به‌زبان دری توسط شاعران فارسی‌زبان ایجاد شده و همچنان منظومه‌های راگمالا به‌زبان‌های هندی چارصد سال پس از ظهور گونه‌ی کلیات در ادب دری و زیر تأثیر همین نوع ادبی ما پا به‌عرصه‌ی ظهور نهاده است،

در حالیکه پیش از آن ژنر راگمالا در فرهنگ هندی کلن چیز دیگری بوده که در فصل ششم نیز با بحث مستقلی، به تفصیل تمام به آن پرداخته شده است.

در قدم دوم، زمینه‌های ظهور نوع ادبی کلیات و سیر تکاملی و تنزلی آن از سده‌ی ششم تا پایان نیمه‌ی نخست سده‌ی چهاردهم هجری در ادبیات دری (فارسی/تاجیکی) و سیر تکاملی ساختار آن تا تبارزش به‌عنوان یک نوع ادبی، مرور گردیده و در سومین گام، ریشه‌های نوع کلیات در موسیقی افغانستان و گستره‌ی زبان و فرهنگ دری جستجو شده که نمونه‌های آن از پایان سده‌ی ششم بدست آمده و سیر انکشاف و کاربرد آن در جوامع دری زبان تا اواخر نیمه‌ی اول سده‌ی چهاردهم هجری پیگیری گردیده است.

بخش پنجم که قسمت اساسی مباحث این رساله را تشکیل می‌دهد؛ در آن به‌بازشناسی انواع کلیات به‌تفکیک مضامین و مندرجات آنها در دوازده برخ پرداخته شد تا برای آشنایی جوانان با نظام موسیقی نیاکان شان - که شوربختانه در یک قرن اخیر، به‌ویژه پس اشغال و دست‌به‌دست شدن افغانستان در چنگال نیروهای مزدور و ارباب چپ و راست شان، بدترین صدمات را متقبل شده است - ممد و مؤثر باشد.

با آنکه در قسمت مطالب تشریح شده درین بخش، طی سده‌ی بیستم میلادی پژوهش‌های جدید فراوانی به‌وسیله‌ی دانشمندان کشورهای اسلامی اعم از تاجیک و ترک و عرب و ایرانی و هندی و همچنان خاورشناسان صورت گرفته است؛ ولی در مباحث این رساله بیشتر کوشش شده تا با استناد بر متون کلاسیک موسیقی خودمان، مطالب به‌صورت غیر تخصصی و بسیار عام فهم

تشریح و توضیح گردد تا جوانان پرورش یافته در غربت ما که سواد زبان مادری شان به علت تحصیل در کشورهای غیر دری زبان، در سطح پایینی قرار دارد، به سادگی از متن این کتاب استفاده کرده بتوانند و از سوی دیگر با نظریات نیاکان خویش در باره دانش موسیقی آشنا گردند.

بخش ششم و آخرین این رساله نیز به بازشناسی تأثیرات گونه‌ی کلیات بر فرهنگ شمال هند و ظهور نوع راگ‌مالا در عهد جلال‌الدین اکبر در واپسین سالهای سده‌ی دهم هجری اختصاص یافته است که آغازگر حرکت راگ‌مالاسرای نیز شاعری از هرات بوده و ابتکارش برای مدت دو، سه صد سال دیگر نه تنها که توسط پارسی‌سرایان هند پیگیری شده، بلکه در ادبیات زبان‌های هندی نیز رخنه کرده است.

منابع اساسی این کتاب را به صورت عمده نسخه‌های خطی بی‌تشکیل می‌دهد که در اختیار همه‌گان نه‌بوده، صرف در قفسه‌های کتابخانه‌های معتبر جهان محفوظ‌اند. ازینرو مطالب و مواد مندرجه‌ی رساله‌ی حاضر برای پژوهشگران و موسیقیشناسان نیز خالی از فایده نخواهد بود و میتواند رهگشای تحقیقات بعدی باشد. زیرا در کشور ما برعکس همه کشورهای جهان و حتی برعکس همه همسایه‌گان ما دیدن نسخ خطی محفوظ در آرشیف ملی، نیازمند امر تحریری جناب وزیر بسیار مصروف! و مغرور فرهنگ، خوشحالی کتابدار گریزیا و رضائیت تحویلدار بدخوی بوده، ماه‌ها را صرف باید کرد تا موفق شد صفحه‌ی از فلان کتاب را دید. پس مطالبی که متکی بر چنین نسخه‌هایی در قید تحریر می‌آیند، برای هم‌میهنان ما غنیمتی است بزرگ.



باری، مطالب رساله‌ی حاضر برحسب اهداف نهادین ژنر کلیات قسمی تدوین یافته‌است که در قدم نخست استفاده از جنبه‌های آموزشی آن برای احیای موسیقی اصیل کشور در بین جوانان غربت زده‌ی ما مفید، مثمر و کارآ باشد تا حد اقل آنان را با نظام موسیقی مقامی شان آشنا سازد و در قدم دوم، سیر انکشافی و قهقرایی کلیات و کلیات‌سرایی را در کشور ما و جوامع همفرهنگ مان باز نماید. اگر این کتاب توانسته باشد چنین مأمولی را برآورد، زهی سعادت؛ و اگر صاحب‌بنظران در آن کاستی و فروگذاشی می‌نگرند؛ آرزومندم نگارنده را از طریق نقد و بررسی‌های عالمانه شان متوجه این کمبودها بسازند و یا اینکه از طریق پُست الکترونیک بنده‌ی الله را ازین گونه موارد آگاه گردانند تا در چاپ‌های بعدی به اصلاح آن پرداخته شود.

داکتر اسدالله شعور

تورنتو - هفتم اگست ۲۰۰۳م

assadullahshour@gmail.com

assadullah\_shour@hotmail.com